

ص ۲ و ۳

■ مجاهدت گلستانیها در مبارزات انقلاب اسلامی

ص ۵۶

■ یادی از رهبر مشروطه خواهان استرآباد

ص ۶ و ۷

■ استان گلستان در حکومت پهلوی

ص ۸

■ تصاویر شهدای قبل از انقلاب در استان گلستان



سال نوزدهم - شماره ۲۵۱ و ۲۵۲ - زمستان ۱۴۰۴ ش - بها: ۱۰۰۰۰ تومان - صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامرضا خارکوهی

ماجرای خروج شاه از ایران



حرف اول: ماجرای خروج شاه از ایران

مردم ایران به رهبری امام خمینی از سال ۴۱ تا ۵۷ به مبارزه علیه رژیم شاه پرداختند و شعار می دادند، «ای بی حیا حیا کن، سلطنت رها کن»، شاه فرمان شکنجه و کشتار و تبعید و زندانی شدن معترضان را صادر کرده بود. اما مردم مقاومت کردند و به مبارزات خود ادامه دادند. در نتیجه عصر روز ۲۶ دی ماه سال ۵۷ محمدرضا شاه پهلوی همراه همسرش به طور محرمانه و عجلانه از ترس جانانشان ایران را ترک کردند. شاه آن روز حتی فاصله کاخش تا فرودگاه مهرآباد را با هلیکوپتر رفت. چون با وجود ماشین ضد گلوله و تعداد زیاد محافظان می رسید که در خیابانهای تهران حرکت نماید. فرزندان او مخصوصاً رضا پهلوی که او را ولیعهد می نامیدند و مثل سایر خاندانش فاسد الاخلاق بود، قبل از ایران رفته و ساکن امریکا شده بود و با پول ملت عیش و نوش می کرد. اما آیا براستی شاه و درباریان دست خالی از ایران رفتند؟ روزنامه فاینشال تایمز انگلیس سالها بعد از فرار شاه، فاش کرد که او هنگام خروج از ایران حداقل ۳۵ میلیارد دلار از ثروت ملی ایرانها را با خود برده است. نشریه دیلی تلگراف لندن هم اعلام کرد شاه موقع فرار آنقدر طلا و جواهر بار هواپیمایش کرد که نمی توانست بلند شود. به گزارش مطبوعات امریکا شاه در دو سال آخر حکومتش میلیاردها دلار از ایران خارج کرد. اینها تنها نمونه های کوچکی از اعترافات مطبوعات غربی است، همان مطبوعاتی که در آن سالها ستایشگر تاج و تخت شاه و خاندانش بودند، می باشد. شاه علاوه بر آنچه روز ۲۶ دی با خود برد، در روز قبلیش نیز به دستور او ۱۴ بسته بزرگ که شامل متعلقات خاندان سلطنتی بود و یک هواپیما را پر می کرد به خارج کشور ارسال نمود. چند روز پیشتر نیز ایاسی خدمتکار معتمد شاه با یک هواپیمای اختصاصی کوچک اوراق بهادار و دیگر اسناد ارزشمند او را با خود از تهران به سوئیس برد. همچنین سه روز قبل از خروج شاه یعنی روز ۲۳/۱۰/۵۷ با تأیید محمدرضا پهلوی، فرح دیبا دستور دسته بندی و جمع آوری جواهرات، عتیقه ها و الماس های گرانبها و غیره را در ۳۸۴ چمدان و زیر نظر یک تیم از افراد قابل اعتماد صادر کرد. چنان که یک قلم آن، ۴ صندوق بزرگ جواهرات قیمتی بود که به گفته احمدعلی مسعودانصاری پسرخاله فرح دیبا و دوست نزدیک شاه، بعد از خروج این آنها از ایران، این جواهرات توسط آقایان شهبازی، نویسی و خانم دیبا به گاو صندوق های کشور سوئیس سپرده شد.

علاوه بر این در آخرین ماه های قبل از سقوط رژیم، میلیاردها دلار نقد و اجناس و جواهرات و اجناس قیمتی توسط سایر درباریان از ایران خارج شد. ویلیام شکر اس امریکایی نیز اشاره می کند به صندوق های پر از اشیای قیمتی (قالی، تابلو، جواهرات و غیره) که مأموران گمرک در سراسر اروپای غربی با آن روبرو بوده اند و همه سرمایه های غارت شده ملت ایران بود. روزنامه آیندگان که وابسته به رژیم شاه و اسرائیل بود و مدتی بعد از پیروزی انقلاب تعطیل شد، در تاریخ ۱۶ فروردین سال ۵۸ نوشت که شاه طی سالهای حکومتش با پرداخت ۳۰۰ میلیون دلار تعداد ۳۱ کاخ و ویلا در نقاط مختلف جهان خریداری کرده و اسناد آنها را نیز همراه دارد. تعدادی از این قصرها در پاریس، ژنو، جزیره ماژورکا، آلمان، تونس، یورلی هیلز، نیویورک، نگراس، و نیوجرسی امریکا است. کوچکترین این قصرها ۱۵ اتاق دارد و زیباترین آنها به ۴۲ میلیون دلار خریداری شده که در نیویورک امریکا نزدیک محله مانهاتان است. همچنین شاه ساختمانی ۳۶ طبقه در امریکا خریداری کرده که از پرداخت مالیات معاف است. روزنامه نیویوریک در سال ۵۸ میزان دارایی شاه را ۲۲ میلیارد دلار اعلام کرد. دکتر شاپور رواسانی استاد دانشگاه در آلمان، تعداد کارخانه ها و موسسات مالی متعلق به خاندان پهلوی و خانواده های وابسته به دربار را بالغ بر ۵۲۷ مورد اعلام کرد.

خاندان پهلوی همه این سرمایه ها را محرمانه دزدیدند و هنوز که حدود نیم قرن از زمان سرقت آنها می گذرد، آمار و اطلاعات دقیقی در باره آنها توسط خاندان پهلوی و دولت های غربی برای اقناع افکار عمومی جهان مخصوصاً ایرانی ها ارائه نشده است. این سرمایه ها دسترنج مردم فقیر ایران بود که توسط سران و وابستگان رژیم پهلوی به غارت رفت و به کشورهای غربی اعم از امریکا و اروپا ارسال شد. این ارقام نجومی سوای اموالی است که این خاندان در طول ۵۷ سال حاکمیت به طور غیرقانونی تصاحب کرده و در کشورهای غربی تبدیل به ملک و ویلا و تأسیس شرکت های اقتصادی و تجاری شده است. [منبع: کتاب پرواز بهمن، تألیف غلامرضا خارکوهی، نشر عروج] خاندان پهلوی که قبل از حکومتشان بسیار فقیر بودند، با غارت درآمد ملت ایران به ثروتی نجومی رسیدند. بطوری که هیچگاه جرأت نکردند مقدار ثروت خود را اعلام نمایند. اکنون رضا پهلوی، ولیعهد فاسد شاه که در شهوت پرستی، و مشرب خواری و وطن فروشی شهره آفاق است و همچون پدر و پدربزرگ دیکتاتور نوکر بیگانگان می باشد، با حیف و میل ثروت مردم ایران، در خارج عیش و نوش می کند، و کاسه لیس سیاست های ضد بشری نتانیاهو و ترامپ شده و تروویستها را دعوت به نابودی ملت ایران می کند. آف بر این وطن فروشان خائن.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی، از نهضت خمینی محافظت بفرما
غلامرضا خارکوهی، تاریخ نگار و صاحب امتیاز نشریه انقلاب



یاد شهدای دوران انقلاب گرامی باد

بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گلستان

دهه فجر بر مردم فجر آفرین مبارک

روابط عمومی و پایگاه بسیج مدیریت شعب پست بانک استان گلستان

استان گلستان سرزمین کتاب و دانایی

اداره کل کتابخانه های عمومی استان گلستان

سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی گرامی باد

شورای اسلامی شهر و شهرداری گرگان

غلامرضا خارکوهی - تاریخ نگار

مجاهدت گلستانها در مبارزات انقلاب اسلامی

تظاهرات فراگیر، اعتصابات کمر شکن

در کنار این عوامل باید از نقش موثر فرهنگیان و دانش آموزان استان گلستان یاد کنیم که از نخستین روزهای سال تحصیلی جدید، مدارس و مراکز آموزشی با شعار و تجمع و تظاهرات اعتراض آمیز و تعطیلی و تحصن همراه بود. بطوری که راهپیماییهای ۵۷/۷/۹ بندرگز - ۵۷/۷/۱۵ گرگان - ۵۷/۷/۱۶ علی آبادکتول - ۵۷/۷/۲۱ گالیکش - ۵۷/۷/۲۴ کلاله - ۵۷/۷/۲۷ کردکوی - ۵۷/۸/۲۱ گرگان - ۵۷/۸/۱۶ گنبدکاووس - و راهپیمایی ۲۰ هزار نفری در گرگان از جمله نمونه های تظاهرات باشکوه مردم خاصه دانش آموزان و فرهنگیان در پائیز سال ۵۷ است که با تأسی از فرامین امام خمینی بود.

چنانکه به دنبال تظاهراتهای بزرگ مهر ماه سال ۱۳۵۷، مردم گرگان متشکل از افراد و اقشار مختلف صبح و عصر روز اول آبان ماه سال ۵۷ دست به راهپیمایی زدند و سرسختانه در مقابل مأموران شهربانی ایستادند. ده ها شعبه بانک و چندین اغذیه فروشی و مشروب فروشی، و سینما مولن روز و چند نقطه دیگر با چوب و سنگ مورد حمله مردم قرار گرفت و تخریب شدند.

باز مردم گرگان در فردای آن روز (یعنی دوم آبان ماه ۵۷) با شرکت فعال روحانیون و طبقات مختلف جامعه با جمعیتی حدود ۳۰ هزار نفر عظیم ترین تظاهرات تاریخی خود را به راه انداختند. یکی از خبرنگاران روزنامه اطلاعات در این زمینه نوشت: اقشار مختلف مردم در حالی که شعارهای مذهبی، سیاسی سر می دادند و عکس های بزرگی از حضرت آیت الله العظمی امام خمینی در دست داشتند در این راهپیمایی شرکت کردند. وقایع گرگان در سطح کشور انعکاس زیادی داشت. بطوری که در تاریخ ۵۷/۸/۳ مرجع عالیقدر، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی با ارسال تلگرامی خطاب به علمای گرگان اعمال خشونت بار رژیم در برخورد با تظاهر کنندگان گرگانی را محکوم نمود.

علاوه بر این نخستین تحصن ها از مهرماه سال ۵۷ توسط دبیرستان ها و دانشجویان و فرهنگیان استان گلستان آغاز شد و رفته رفته به سایر مراکز و ادارات دولتی منطقه سرایت نمود. چنان که در شامگاه ۲۲ آبان ماه سال ۱۳۵۷ و ایام اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم منطقه، مأموران رژیم ستم شاهی در یک عملیات برنامه ریزی شده و ضربتی در نیمه های شب، ۹ نفر از انقلابیون مبارز گرگان را دستگیر کردند و به زندان انداختند که در پی این اقدام، ده هزار نفر مردم دست به راهپیمایی گسترده در سطح شهر و تحصن در مقابل دادگستری گرگان زدند و خواستار آزادی آنان شدند که آخرالامر رژیم مجبور شد در همان شب همه را آزاد نماید.

قیام پنجم آذر گرگان

چند روز بعد در پی حمله مأموران شاه به حرم مطهر امام رضا(ع) در مشهد، امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی طی پیامی که در تاریخ دوم آذرماه صادر نمود، بی حرمتی به بارگاه آن امام معصوم را محکوم کرد و روز یک شنبه پنجم آذر سال ۱۳۵۷ را عزای عمومی اعلام کرد و از مردم خواست تا با هر وسیله ممکن برای سقوط دستگاه جبار پهلوی قیام کنند. مردم مسلمان گرگان که از حمله مأموران رژیم به حرم مطهر حضرت رضا(ع) به خشم آمده بودند با ادامه در صفحه ۳ ...

اوج گیری مبارزات پائیزی

سال ۵۷ مهمترین مقطع تاریخی مبارزات گلستانها است، مخصوصاً از اول مهر ماه که مدارس و دانشگاهها فعال شدند و روز ۱۳ مهرماه که رژیم صدام امام را از عراق اخراج کرد و او بناچار عازم یکی از روستاهای فرانسه بنام نوفل لوشاتو شد. به همین علت مهمترین ویژگی مبارزات مردم این خطه در پاییز سال ۱۳۵۷ جهش فزاینده و فراگیر آن بود. زیرا از ابتدای فصل پاییز روند مبارزات آشکارتر و همگانی تر شد. این امر به آن سبب بود که پیامهای امام آسانتر و بیش از گذشته به اینجا می رسید. البته وقایع بزرگی مثل



تظاهرات علماومردم گرگان بهمین یا اسفند ۵۷

راهپیمایی عید فطر، کشتار ۱۷ شهریور و زلزله طبس که پیش از آن اتفاق افتاد و انعکاس وسیعی در استان گلستان داشت، به اضافه نقش سیاسی مطبوعات در اطلاع رسانی و پرداخت بهتر و تیتیر گذاری مناسبتر در آن ایام قابل توجه و موثر بود. از سویی در پائیز سال ۵۷ دیگر رژیم پهلوی نمی توانست مبارزات مردم را مثل گذشته کنترل نماید. چون از نظر مشروعیت سیاسی شدیداً دچار بحران شده بود.

از سوی دیگر هجرت امام خمینی از نجف اشرف به پاریس (نوفل لوشاتو) در تاریخ ۵۷/۷/۱۳، و قرار گرفتن مبارزات امام در کانون توجه رسانه های داخلی و خارجی نیز به این فضا سازی کمک فوق العاده ای نمود. این هجرت که در پی فشار دولت عراق و به توصیه شاه ایران انجام شد، واکنشهای تندی در جامعه بدنبال داشت که از جمله تلگرافاتی بود که از استان گلستان به فرانسه ارسال گردید:

"بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر مسلمانان جهان، سایه ات پاینده باد.

پس از سلام و ادای احترام، خبر ترک اقامت در نجف اشرف و عزیمت به کشور فرانسه بر اثر فشار دولت عراق، سخت ملت ایران و سایر شیعیان جهان را تکان داد. مکان خاص در رهبریهای آن حضرت دخالیتی ندارد. چنانچه قائد عظیم الشان اسلام و جانشین بت شکن ترک، مکه معظمه و مدینه منوره کردند و وظیفه خود را در مکان دوم به نحو احسن انجام دادند. در امتثال اوامر و فرامین حضرت تعالی آمده و کوشا هستیم. خداوند حضرت مستطاب عالی را برای اسلام و ملت ایران باقی بدارد.

جامعه روحانیت [شهرستان] علی آباد گرگان."

نخستین جرقه های انقلاب

مهر ماه سال ۱۳۴۱ رژیم پهلوی با حذف قسم به کتاب قرآن از شرایط عضویت در انجمن های ایالتی و ولایتی، اولین گام علنی و قانونمند را در اسلام زدایی از فضای کشور برداشت. بلافاصله نخستین جرقه های انقلاب اسلامی به دست توانمند امام خمینی زده شد و این جرقه چنان محکم و خیره کننده بود که دربار شاه به لرزه افتاد و اندکی بعد رژیم ناچار به عقب نشینی و شکست شد. اما هنوز طعم این موفقیت به کام مردم چندان نرسیده بود که اندکی بعد شاه سخن از اجرای طرح امریکایی انقلاب سفید در ایران به میان آورد، و بار دیگر با مخالفت امام و مردم روبرو گشت.

سرسختی رژیم در مقابل خواسته های ملت و بی اعتنایی شاه به نصایح دلسوزانه امام خمینی، نشانگر آن بود که مردم مسلمان ایران باید به رهبری امام خمینی برای مبارزه ای طولانی با رژیم پهلوی کمر همت ببندند.

در این میان همگام با مردم سراسر کشور، مردم گرگان و دشت یا استان گلستان فعلی هم، با امام همراه شدند و قدم به قدم به مقاومت و مخالفت با برنامه های ضد اسلامی و ضد مردمی رژیم پهلوی پرداختند. بطوری که در سالهای نخست مبارزات، امام توسط آیت الله نورمفیدی پیامی شفاهی برای علمای گرگان فرستادند و آنان را دعوت به قیام بر علیه رژیم شاه نمودند. لذا از عدم استقبال مردم در رفتارند ششم بهمن سال ۴۱، تا همراهی آنان در عید سیاه و محرم و قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ با نهضت امام خمینی، و سپس تحمل قتل و زندان و تبعید و آوارگی و زجر و شکنجه های قرون وسطایی ساواک - سازمان امنیت شاه - همه را بجان خریدند و در هر فرصتی پنهان و آشکار به مبارزات خود علیه استبداد پهلوی ادامه دادند.

آتش قیام شعله ور شد

این روند در دی ماه سال ۵۶ جلوه تازه ای بخود گرفت. از یک طرف شهادت فرزند بزرگ امام - آیت الله آقا مصطفی خمینی - و از سوی دیگر انتشار مقاله توهین آمیز روزنامه اطلاعات علیه امام، بار دیگر آتش قیام مردم را شعله ور کرد. بطوری که انتشار اعلامیه های بی شمار و مجالس و تظاهرات و شعار نویسی در استان گلستان افزون گشت و در نتیجه مردم منطقه بر مبارزات چندین ساله خود به رهبری امام خمینی شدت بخشیدند. چنانکه تبعید آیت الله مدنی به گنبد و خروش مردم این شهر در ۱۷ بهمن سال ۵۶ علیه حکومت و سپس مراسم ۱۰ فروردین سال ۵۷ در گرگان به مناسبت اربعین شهدای تبریز و مراسم ۱۹ اردیبهشت ۵۷ به مناسبت بزرگداشت شهدای یزد و جهرم، و نیز تبعید ۵ نفر از مبارزان استان گلستان (نورمفیدی، طاهری، رئیس، معصومی و زمردی) در خرداد ماه ۵۷ به مناطق دور افتاده کشور، و همچنین راهپیمایی ۱۵ خرداد سال ۵۷ جوانان گرگانی، به خوبی نشانگر عمق بیداری سیاسی مردم این منطقه در مبارزات انقلاب اسلامی بود که موجب ترس مضاعف ساواک از نفوذ اندیشه های امام خمینی در این منطقه شد. آن هم منطقه ای که فردی بنام تیمسار منصور مژین نماینده مخصوص شاه از سال ۱۳۴۱ تا ۵۷ در گرگان مستقر بود و همچون شاه ایران حکومتی مستبد در گرگان و گنبد و بجنورد بنا کرده بود. مژین علاوه بر سطره سیاسی و امنیتی بر این منطقه، هزاران هکتار اراضی کشاورزی مرغوب و پر محصول به اضافه مراتع و جنگلهای بکر و بی نظیر گرگان و ترکمنصحرا را تصاحب کرد و به خاندان شاه و دوستان و ژنرالهای درباری اش بخشید.

مجاهدت گلستانیها در مبارزات انقلاب اسلامی

ادامه از صفحه ۲

چشمان گریان با هوایمی اختصاصی و مجلل خود ایران را ترک کرد. این امر موجب خوشحالی و انسجام هرچه بیشتر مردم ایران و گلستان شد و امام خمینی آن را اولین مرحله پایان سلطه جنایت‌بار ۵۰ ساله رژیم پهلوی اعلام کردند.

دهه فجر، آخرین روزهای مبارزه

گلستانیها چند روز بعد در ۱۲ بهمن سال ۵۷ در مراسم استقبال تاریخی از امام خمینی که پس از ۱۴ سال تبعید از خارج کشور به تهران برمی گشت، در این حماسه بزرگ و پی نظیر شرکت کردند و باتوق و محل تجمع شان هم مسجد لرزاده تهران بود. علاوه بر این در همین روزها بازاربانان گرگان در اعتراض به جنایات ماموران شهربانی و حفاظت از اموال خود، دست به اعتصاب شبانه زدند و روزها مغازه هایشان را می بستند و شها را ۶ غروب تا ۶ صبح باز بود و کاسبی می کردند که پدیده بی نظیری در تاریخ انقلاب اسلامی است. همچنین مردم منطقه گرگان چند روز بعد در مقابل بیمارستان ۵ آذر گرگان دست به اعتصاب ۲۰ هزار نفری زدند که با آمدن نماینده آیت الله طالقانی، این اعتصاب پس از چند روز خاتمه یافت.

اما ماموران رژیم پهلوی که کینه عمیقی نسبت به مردم انقلابی گرگان داشتند روز ۱۹ بهمن سال ۵۷ حدود یکصد مغازه این شهر را به آتش کشیدند و چند نفر را هم شهید و مجروح نمودند. در این میان فردای آن روز ۲۰ بهمن چماقداران شاهدوست نیز با تشویق و ترغیب ماموران گنبد با راهپیمایی در خیابانهای این شهر، به غارت منازل و مغازه های مردم پرداختند و به زنان و مردان بیگناه حمله نمودند و حتی به حمام زنانه شهر نیز جسارت کردند که حاصل آن تعدادی شهید و مجروح و تخریب و نابودی اموال مردم مسلمان و انقلابی بود. اما فردای آن روز - ۲۱ بهمن سال ۵۷- مردم گرگان در انتقام خون شهیدان خود، به شهربانی هجوم بردند و ۱۶ نفر از آنان را به قتل رساندند تا مرحمی باشد بر دلهای داغدار خانواده‌های شهدای بی گناه و مردم خسارت دیده و شکنجه شده این منطقه. از آن پس چون شهربانی گرگان مرکز خشونت و کشتار مردم بود، با سقوط آن آرامش به این منطقه بازگشت و پیش از همه جا رژیم پهلوی در شهر گرگان سقوط کرد. به عبارت دیگر در همه ایران روز ۲۲ بهمن انقلاب پیروز شد اما در گرگان روز ۲۱ بهمن سال ۵۷.

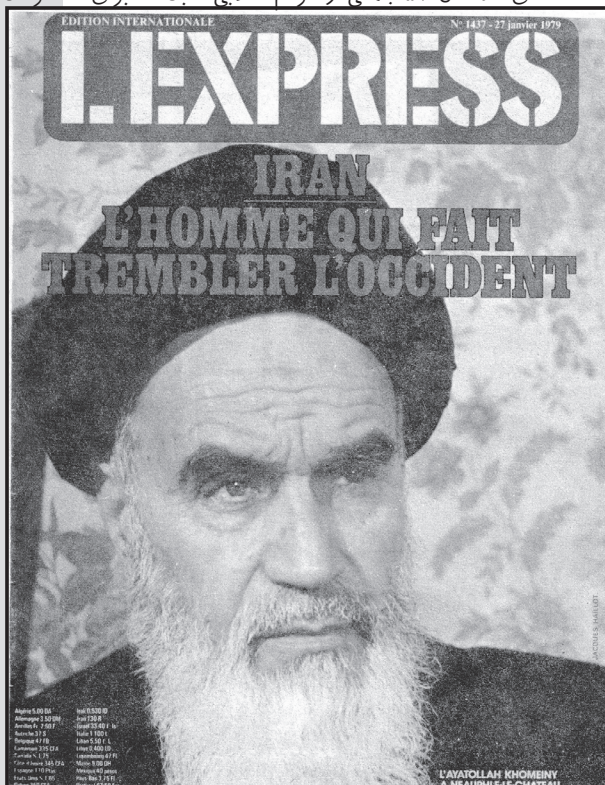
۲۲ بهمن طعم شیرین پیروزی

فردای آن روز - ۲۲ بهمن سال ۵۷- آخرین ستونهای کاخ ۲۵۰۰ ساله رژیم شاهنشاهی پس از ۱۷ سال مبارزه در تهران و سراسر کشور فرو ریخت و نسیم روحبخش دین و آزادی در ایران طنین انداز شد. مردم منطقه به سوی پادگانها رفتند و آنها را خلع سلاح نمودند. نظامیان نیز با مردم و انقلاب اعلام همبستگی کردند. آن روز ارتشیان گرگان شعار می دادند: ملت برادر ماست خمینی رهبر ماست. مردم هم می گفتند: ارتش برادر ماست خمینی رهبر ماست. از آن پس کمیته های موقت انقلاب اسلامی که توسط جوانان داوطلب هر محل تاسیس شده بود مدیریت و نظم و امنیت شهرها و روستاهای استان گلستان را بر عهده گرفت. مردم مسلمان منطقه که گوش به فرامین امام خمینی بودند با همان اتحادی که انقلاب را به پیروزی رساندند، در این شرایط حساس هم شبانه روز در حفظ و پاسداری از آن می کوشیدند و در مقابل توطئه های دشمنان می ایستادند. (ر.ک: کتاب سه جلدی استان گلستان در انقلاب اسلامی، غلامرضا خارکوهی، تهران: انتشارات عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام)

دسته خواهران در پاسخ می گفتند: "مردم بپا خیزید در این راه تا سرنگون سازیم رژیم خائنین را مکتب او، این نوشته یا مرگ و یا آزادی حسین".

دی ماه خونین از گالیکش تا بندرگز

چندی بعد مراسمی در مسجد جامع شهر کردکوی برای بزرگداشت استاد شهید دکتر آیت اللهی برگزار شد که پس پایان مراسم جوانی به نام حمزه طیبی ولاغوزی توسط ماموران ژاندارمری به شهادت رسید. سپس واقعه خونین دیگری در حاشیه یکی از شهرهای کوچک استان گلستان به نام گالیکش بوقوع پیوست. بطوری که در ۱۲ دی ماه سال ۵۷ جمعی از مردم انقلابی گنبد که برای



روز ۳ بهمن ۵۷ مجله اکسپرس فرانسه با انتشار این عکس نوشت مردی که غرب را به لرزه درآورد

دفاع از مردم گالیکش در مقابل چماقداران شاهدوست به آن شهر رفته بودند، هنگام برگشت به گنبد مواجه با رگبار گلوله های ماموران ژاندارمری شدند که در نتیجه ۷ نفر شهید و ۵۰ نفر هم مجروح شدند. باز روز ۱۳ دی ماه ۵۷ گل سرسبد مبارزات بندرگز- غلامرضا اسدی عرب- به شهادت رسید که غرب استان گلستان را به لرزه در آورد. خصوصاً که روز سوم آن عزیز نیز ماموران به مراسم بزرگداشت او حمله کردند و حدود ده نفر را به شهادت رساندند. این جنایت موجب تشدید مبارزه در منطقه شد.

پرواز دیکتاتور

در آن ایام هر ساعت و هر روز اتفاقی سیاسی رخ می داد که تعدادشان بی شمار است و ذکرشان طولانی، چنانکه باز روز ۲۶ دی ماه سال ۵۷ در حالی که ده روز از عمر دولت بختیار می گذشت، شاه بر اثر فشار قیام مردم از ترس جاننش به اتفاق همسرش با چهره ای غمگین و

شنیدن پیام امام خمینی، برای اعتراض به این جنایت بزرگ طاغوت مهیا شدند و صبح پنجم آذر ۵۷ از محل امام زاده عبدالله گرگان، دست به راهپیمایی اعتراض آمیز زدند که بالغ بر سی هزار نفر می شدند. مأموران رژیم که از انبوه جمعیت و شجاعت مردم به وحشت افتاده بودند، در اولین لحظات قبل از آنکه راهپیمایی آغاز شود آنها را به گلوله بستند. اما مردم به خشم آمده نه تنها صحنه را ترک نکردند بلکه بسوی پارکینگ شهربانی که در ضلع غربی فلکه شهدا قرار داشت، حمله ور شدند و آنجا را با کلیه وسایل و ماشین آلاتش که شامل یازده ماشین و انبار البسه و لوازم یدکی شهربانی بود، به آتش کشیدند. در این روز ماموران هرکس را در خیابانها می دیدند به گلوله می بستند حتی به سوی بیمارستان بزرگ گرگان هم تیراندازی کردند و جوانی به نام سید نظام الدین نبوی را از ناحیه سر به شهادت رساندند. در نتیجه این سرکوبی بی رحمانه در آن روز، بیش از ۲۰۰ نفر زخمی شدند و ۱۴ نفر به شهادت رسیدند، که اسامی شهدا به ترتیب الفبا عبارتند از: ۱- سید حسین امیر لطیفی ۲- صدیقه پروانه ۳- سیداسماعیل حسینی ۴- عباس خالداران ۵- احمد سیطی ۶- حجت الله عباسی ۷- ابوالقاسم علاءالدین ۸- نرگس قصابان ۹- حسین محبی راد ۱۰- حسین مقصودلو ۱۱- سید نظام الدین نبوی ۱۲- حسین علی نصیری ۱۳- فرامرز ویزواری ۱۴- ابوالحسن هادی.

خروش مردم در محرم حسینی

مردم منطقه گرگان و دشت خود را آماده کردند تا با نسیم محرم سال ۱۳۵۷، شور حسینی برپا کنند و نهضت اسلامی خود را در مسیر پیروزی نهایی و شکست رژیم پهلوی توسعه بخشند. در این اثنا پیام روحبخش امام خمینی از پاریس به ایران و استان گلستان رسید و مردم انقلابی منطقه را به وجد آورد. در این پیام امام، ماه محرم را ماه پیروزی خون بر شمشیر، و نیز ماه حماسه و شجاعت و فداکاری نامیده و خواستار برگزاری هر چه با شکوه تر مجالس بزرگداشت سرور آزادگان جهان- حسین بن علی(ع) - و افشای هر چه بیشتر جنایات رژیم شده و از همه اقشار خواست که برای برچیده شدن نظام شاهنشاهی و برقراری جمهوری اسلامی بپاخیزند.

در این راستا جلسه شورای تامین شهر گرگان در تاریخ ۵۷/۹/۱۱ نیز تشکیل شد و تصمیمات سری تندی برای برخورد با مردم مبارز اتخاذ نمودند: «حفاظت نقاط حیاتی و حساس شهر گرگان خصوصاً رادیو تلویزیون- مطبوعات - تأسیسات آب- ... به صاحبان مجلس عزاداری ضمن اخذ تعهد، توجه و تذکر لازم داده شود تا از وعاظ خواسته شود که از نحوه عنوان کردن مطالب تحریک آمیز خودداری و صرفاً در مسائل مذهبی صحبت نمایند... شهربانی و ژاندارمری در صورت مواجه شدن با مورد شصت، به دستگیری و بازداشت سخنرانی که سخنان تحریک آمیز عنوان نماید اقدام خواهد نمود».

در ماه محرم سال ۵۷ سخنرانها و شعارهای مردم استان گلستان کاملاً رنگ انقلابی و ضد رژیم بخود گرفت. بطوری که دسته برادران می گفتند: "این انقلابی را که می بینید، حسینی است از رهبر ما آیت الله خمینی است مکتب او، این نوشته یا مرگ و یا آزادی حسین".

گردآورنده: دکتر ضیاءالدین مقصودلو نیره شیخ محمدحسین مجتهد استرآبادی

یادی از رهبر مشروطه خواهان استرآباد

اشاره: مرحوم شیخ محمد حسین مجتهد استرآبادی (مقصودلو) رهبر مشروطه خواهان استرآباد دارای دو پسر بود، یکی به نام شیخ نصرالله و دیگری آقا مرتضی، خانم شوکت مقصودلو فرزند شیخ نصرالله مادر دکتر ضیاءالدین مقصودلو است. به عبارت دیگر مولف این مقاله نیره شیخ حسین مجتهد استرآبادی می‌باشد. آقای دکتر مقصودلو مقاله فوق را در باره جدشان گردآوری نموده و برای ما فرستاده است. ضمن تشکر از ایشان، این مقاله با اندکی ویرایش در ماهنامه تاریخی انقلاب درج می‌شود. / سردبیر نشریه انقلاب



**ردیف اول نفر نشسته در وسط شیخ حسین مقصودلو
نماینده مردم استرآباد در مجلس شورای ملی همراه با
شهید مدرس و... در زمان جنگ جهانی اول در کرمانشاه**

مخالفت با تقسیم ایران

به هنگام تصویب قرارداد منحوس انگلیس و روس مبنی بر تقسیم ایران به دو منطقه تحت نفوذ، شیخ محمد حسین استرآبادی در جمع معترضانی چون اسدالله خان معتمد وزیر، جلال الدین خان کیهان و کحالزاده به قم عزیمت کرد. این اقدام منجر به انحلال مجلس شورای ملی گردید، پس از پراکندگی جمع معترضین، وی به مهاجران ایران در استانبول همچون سید حسین کزازی، سید محمدرضا مساوات، محمدعلی تربیت، سیدمحمد صادق طباطبایی و دیگران پیوست و هفده ماه در آنجا ماندگار شد. در انتخابات دوره چهارم مجلس در زمان صدارت وثوق الدوله، بار دیگر برخلاف خواست دولت مرکزی، شیخ محمد حسین به نمایندگی مردم استرآباد برگزیده شد. بر اثر این اتفاق شاهزاده سلطان جنید میرزا معتمدالدوله چهار، حاکم وقت گرگان، که نتوانسته بود اوامر حکومت وقت را در این خصوص به انجام برساند از ترس، شبانه با سلاح گرم خودکشی کرد.

شیخ محمد حسین هم پس از افتتاح مجلس به حکومت نظامی وقت اعتراض کرد، اما چون قادر به ادامه اعتراض نبود از وکالت مجلس استعفا نمود و به حکم فرمانده کل قوای نظامی از گرگان به خراسان تبعید شد. وی در زمرة یاران مرحوم سید حسن مدرس و امین الشریعه سبزواری بود. که در جریان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان معروف به کودتای سیاه در میان خیل توقیف شدگان رجال عالی رتبه کشوری توسط بریگارد قزاق‌ها دستگیر شد و در عمارت قزاقخانه مشرف به میدان مشق قدیم تهران حبس ادامه در صفحه ۵

مشهورترین چهره مشروطه‌خواه استرآباد در بحبوحه حوادث انقلاب بزرگ مشروطه بود که در تهران و استرآباد، به انجام فعالیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی پرداخت و به عنوان یکی از چهره‌های ذی نفوذ جامعه روحانیت و اعضای کمیته ملی تا واپسین دم مقتدرانه و مجدانه در راه اعتلای وطن به تلاش‌های روشنگرانه خویش ادامه داد. وی را در زمرة یاران مرحوم سید حسن مدرس و امین الشریعه سبزواری برشمرده اند که در سومین دوره مجلس



**خانه شیخ حسین مجتهد رهبر مشروطه خواهان استرآباد
واقع در خیابان شهدا ابتدای کوچه میخچه کران**

شورای ملی علیرغم مخالفت‌ها و اعمال نفوذهای دولت تزاری روس به نمایندگی مردم استرآباد انتخاب شد، و خود را هراسان از بیراهه به تهران رسانید و در فراکسیون دموکرات‌ها عضویت یافت، او که از رهبران حزب دموکرات ایران محسوب می‌شد در حرکتی متحد به همراه دیگر بزرگان این حزب به جهت حفظ مصالح و منافع عمومی و مملکتی با روسا و لیدرهای حزب اجتماعیون - اعتدالیون طی معاهده‌ای که در هفت بند تنظیم گردید، در تاریخ ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۴ق در قصر شیرین معاهده حزبین را به امضا رسانید و این عبارت را ضمن امضای خویش درج نمود: «برای خدمت به اسلام و سعادت وطن بر مواد فوق به اتفاق رأی داده شد. وقفنا الا هم بالعلم وحفظنا من الزلل. محمدحسین استرآبادی».

فعالیت‌های پارلمانی محمدحسین استرآبادی:

شیخ محمد حسین استرآبادی معروف به مجتهد استرآبادی فرزند شیخ نصرالله، در حدود سال ۱۲۴۰ش در استرآباد (گرگان امروزی) به دنیا آمد. او از ابتدای انقلاب مشروطه از این جنبش حمایت کرد و با ایراد نطقها و ارسال تلگرام‌ها، به تقویت مجلس مشروطه پرداخت. استرآبادی در انتخابات مجلس دوره سوم شورای ملی به نمایندگی استرآباد انتخاب شد و به عنوان نماینده به تهران رفت و فعالیت خود را آغاز کرد. در فاصله بین مجلس سوم و چهارم استرآبادی در زادگاه خود به سر می‌برد و با پیروزی بلشویک‌ها در روسیه، از آنان حمایت کرد. این موضع‌گیری او باعث کاهش جایگاه اجتماعی او در منطقه استرآباد گردید. در سال ۱۲۹۸ش او به تهران بازگشت و در مدرسه عالی حقوق که توسط آدولف پرلن تاسیس شده بود به تدریس فقه و اصول پرداخت. اما در جریان کودتای ۱۲۹۹ش رضاخان، مجتهد استرآبادی به همراه برخی دولتمردان دستگیر و برای مدت کوتاهی زندانی شد.

ورود به مجلس چهارم و گرایش به آلمان

با تشکیل مجلس چهارم در تیر ماه سال ۱۳۰۰ش (۱۳۳۹ق) محمد حسین استرآبادی بار دیگر به نمایندگی مردم استرآباد به مجلس راه یافت و در این دوره او به سیاست آلمان گرایش پیدا کرد و مواضع ضد انگلیسی اتخاذ نمود. این گرایش در شرایطی شکل گرفت که آلمان پس از جنگ جهانی اول در حال بازسازی قدرت خود بود، برخی از روشنفکران و سیاستمداران ایرانی، از جمله مجتهد استرآبادی به این کشور به عنوان یک نیروی متعادل کننده در برابر نفوذ انگلیس و روسیه نگاه می‌کردند.

فعالیت‌های محمد حسین استرآبادی در مجلس دوره چهارم و مواضع ضد انگلیسی او، نشان دهنده تلاش برخی از نمایندگان برای ایجاد توازن در سیاست خارجی ایران در آن دوره بود. گرایش او به آلمان و مخالفتش با نفوذ انگلیس، از جمله اقداماتی بود که در چهارچوب مبارزه با استعمار و حفظ استقلال ایران قابل تحلیل است. هرچند که این مواضع نتوانست تأثیرات بلند مدتی بر روند سیاسی کشور داشته باشد، اما به عنوان بخشی از تاریخ معاصر ایران، حائز اهمیت است.

مخالفت با رضاخان

در انتخابات مجلس پنجم، شیخ محمد حسین استرآبادی نتوانست بر رقیب خود، سید محمدعلی شوشتری، که از طرفداران رضاخان بود، پیروز شود. این شکست تا حدی به دلیل دخالت نظامیان در انتخابات بود. استرآبادی از مخالفان جمهوری‌خواهی رضاخان به شمار می‌رفت. [ر.ک: عاقلی، دکتر باقر، روزشمار تاریخ معاصر ایران، جلد ۱، ص ۱۹]

مشهورترین چهره مشروطه‌خواه استرآباد

حاج شیخ محمد حسین مقصودلوی استرآبادی (معروف به شیخ حسین مجتهد استرآبادی)،

...ادامه از صفحه ۴

یادی از رهبر مشروطه خواهان استرآباد

استرآبادی سرانجام در اردیبهشت ۱۳۰۴ ش در مشهد، که احتمالاً به آنجا تبعید شده بود، درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

[ر.ک: سرایلو، اشرف، تحقیقات تاریخی: اوضاع استرآباد در جنبش مشروطیت با تکیه بر وضع ترکمن‌ها، مجله گنجینه اسناد، شماره ۶۶، تابستان ۱۳۸۶ + قائمی، جمشید، پایانی بر اتحاد ملی طبرستان، نگاهی به تحولات دوره مشروطه در مازندران، مجله زمانه، شماره ۴۷، مرداد ۱۳۸۵ + امین، سید حسن، حاج شیخ محمد حسین استرآبادی، مجله وحید، شماره ۲۳۶، نیمه دوم تیر ۱۳۵۷ + رجایی، رحمت الله، درآمدی بر روزنامه نگاری سرزمین گلستان، مجله پیام بهارستان، شماره ۴۰، مهر ۱۳۸۳ + افشار، ایرج و محمد رسول دریا گشت، مخابرات استرآباد، نشر تاریخ ایران، تهران، تیر ماه ۱۳۶۳ + معطوفی، اسدالله، انقلاب مشروطه در استرآباد، گرگان- استرآباد در دوره قاجار، انتشارات حروفیه، تهران ۱۳۸۴ + مرادی نیا، محمدجواد، روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای، نشر و پژوهش شیرازه، تهران، ۱۳۸۲]

جلوگیری نمود. فعالیت آموزشی مجتهد استرآبادی همچنان ادامه داشت، وی اقدام به افتتاح یک باب دبستان ملی نمود که بودجه آن را از محل ثلث اموال مرحوم حسن خان سرخنکلاته ای که از خویشاوندانش بود تامین نمود. مرحوم محمدعلی خان ذکا الملک فروغی از شیخ محمد حسین به عنوان یکی از آموزگاران خود به هنگام تحصیل در دارالمعلمین مرکزی در تهران یاد کرده است.

وفات شیخ محمد حسین در مشهد

مرحوم شیخ محمد حسین مجتهد استرآبادی دارای دو پسر بود، یکی شیخ نصرالله و دیگری آقا مرتضی، مرحوم آقا مهدی مقصودلو فرزند شیخ نصرالله بود و چندین دوره همچون جدش، نمایندگی مجلس شورای ملی را عهده‌دار بود. شیخ محمد حسین مجتهد

گردید. ضمناً حاج رحیم خان سرکرده بخشی از بلوک استرآباد رستاق و داروغه یلّی یموت بود که با داشتن مقام‌های رسمی مذکور، در رواج افکار مشروطه خواه تلاش می‌کرد.

پیشگام مدرسه سازی در ایالت استرآباد

شیخ محمد حسین مجتهد استرآبادی را می‌توان یکی از پیشگامان مدرسه سازی در ایالت استرآباد دانست. وی به جایگاه و اهمیت مدرسه در تحولات اجتماعی کاملاً واقف بود از این رو تلاش‌های بسیاری در تاسیس مدرسه داشت که یکی از آنها مدرسه امیریه در سال ۱۳۲۶ ق بود که به مدیریت حبیب الله عاملی تشکیل شد. وی همچنین انجمنی به نام معارف تشکیل داد و با جمع آوری اعانه از تعطیلی مدرسه سعادت جرجان (نام جدید مدرسه امیریه پس از عزل حبیب الله عاملی)

مجمع چاپ و بسته بندی نوین

چاپ انواع :

- کارت ویزیت
- تراکت
- سربرگ
- بروشور
- کاتالوگ
- پاکت
- پوستر
- بئر و وئیل
- تقویم و سررسید
- کارت های مجلسی

راحت و سریع کار تو چاپ کن

با سامانه سفارش آنلاین چاپ

www.CHAPNOVIN.com



گرگان ، خیابان شهدا ، بین لاله ۶ و ۸
 ۳۲۲۵۱۵۷۲ - ۳۲۲۳۶۶۵۳ - ۰۱۷
 ۳۲۲۴۱۶۹۷ - ۳۲۲۳۲۶۰۸ - ۰۱۷
 ۳۳۳۷ ۳۷۱ ۳۳۳۳ ۰۹۳۳ chapnovin_com

مدیریت : غفاری

استان گلستان در حکومت پهلوی

غلامرضا خارکوهی

قرار دارد که بیش از نیم میلیون مردم ترکمن در آنجا به زندگی مشغولند. اینان در نهایت سختی و تنگدستی زندگی کرده و در مقایسه با وضع سایر روستاییان حومه شهرستان گرگان وضع بسیار بدی دارند. آب آشامیدنی آنان از آب باران است و آب انبارهایی ساخته اند که در مواقع بارندگی آب باران در آن جمع شده و در تمام مدت سال از آب آن استفاده می‌شود و معلوم است آبی که یک سال در یک مکان به طور راكد نگهداشته شود به چه صورتی خواهد بود. و به طور یقین آب آن قابل آشامیدن نیست. لیکن در آن صحرای خشک و شوره زار همان آب مایهٔ حیات انسان‌هایی است که مورد خشم و استثمار صاحبان سرمایه و کاخ‌ها قرار گرفته اند... اکثریت دهات ترکمن صحرا فاقد حمام است و تعداد دهاتی که دارای حمام است انگشت شمار بوده و آن دهات محل سکونت ترکمن‌های ثروتمند می‌باشد. تعداد مستراح در دهات این منطقه بسیار اندک است و در بعضی از دهات به طور کلی اصلاً وجود ندارد و کمبود آب نیز مزید بر علت گشته است. در دهات نسبتاً بزرگ این منطقه دبستان‌هایی وجود دارد که اکثراً چهار کلاسه است و به طور نمونه در یکی از دهات به نام «یامپی» که دویست خانوار جمعیت دارد مدرسه ای چهار کلاسه وجود دارد و دانش آموزانی که بخواهند کلاس پنجم و ششم را نیز بخوانند باید به پهلویژ [شهر آق قلاهی فعلی] که مرکز بخش است بروند، و چون راه دور است لازم است این دانش آموزان در آنجا سکونت اختیار کنند و بدی وضع اقتصادی باعث می‌شود که اکثریت قادر به ادامه تحصیل نباشند. تنها یک دبیرستان در مرکز بخش (پهلویژ) وجود دارد که تنها سیکل اول تدریس می‌گردد و کسانی که بخواهند ادامه تحصیل بدهند باید به گرگان بروند. و به طور کلی ادامه تحصیلات تنها مخصوص فرزندان عدهٔ قلیلی از ترکمن‌های ثروتمند می‌باشد...



سیمای فلاکت بار روستاهای استان گلستان در عصر پهلوی

زمین‌های زراعتی این منطقه از املاک خالصه و متعلق به دربار [خاندان پهلوی] است و قسمت عمدهٔ زمین‌های حاصل‌خیز این منطقه را عده‌ای پولدار و افسران بازنشسته [ارتش شاهنشاهی] در اختیار دارند... در این منطقه یک نوع حکومت نظامی برقرار است و ظلم و زور زیاد باعث ایجاد مردمی ترس‌زده شده و اکنون این مردم به صورت فتری هستند که با فشار آن را جمع کرده باشند و حادثه‌ای لازم است که این فتر را باز کند... فساد از قبیل تریاک و شیر

از فعالیت در رشته کشاورزی تأمین می‌شود... بیش از هشتصد هزار نفر از سکنه محل و خانواده آنان و مهاجرین سایر استان‌ها و خانواده‌های کارگران مزارع کشاورزی در امر کشت و برداشت محصولات کشاورزی [استان گلستان] مشغول و از این مسیر زندگی می‌نمایند... بنابر این بهتر است که به جای اجرای سیاست واردات مواد غذایی و محصولات کشاورزی از خارج، با اجرای برنامه‌های حساب شده و دقیق به امر توسعه و بهبود کشت و برداشت



محصولات کشاورزی به طور عملی توجه شود... و مملکت را از ورود مواد غذایی بی نیاز ساخت... کما اینکه روستا نشینانی که تا چند سال قبل قسمت اعظم مواد غذایی خود و شهرها را از قبیل گندم، شیر، ماست، کره، تخم مرغ و مرغ، گوشت، حبوبات، پیاز، و میوه تأمین می‌نمودند، امروز دست از تولید برداشته و در اکثر دهات و روستاها، حتی تخم مرغ و کره و پنیر و میوه وارداتی مصرف می‌کنند... تمام مشکلاتی که در چند سال اخیر در مورد کمبودها دیده‌ایم، معلول این است که کشاورزی مملکت برنامه ندارد و نظام و ضابطه‌ای برای آن وضع نشده است...

علاوه بر این باید به اختلاف درآمد در شهر و روستا در زمان رژیم پهلوی اشاره کنیم که در دهه پنجاه به تدریج افزایش یافت، به طوری که بر مبنای مصرف سرانه، این اختلاف از حدود ۲ برابر در سال‌های ۱۳۴۴-۱۳۴۳ به حدود ۴ برابر در سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۳ رسید. (اخذ از کتاب توسعه اقتصادی و نابرابری درآمد در ایران - حسین هنجی و فرهاد مهران) این آمار نشانهٔ فقیرتر شدن ۷۰-۶۰ درصد از جمعیت گرگان و دشت بود.

در حالی که در آن دوره استان گلستان با وجود داشتن حدود ۶۰۰-۵۰۰ هزار هکتار اراضی قابل کشت و آب و هوای مستعد و نیروی انسانی فراوان می‌توانست با اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های صحیح، به قطب کشاورزی کشور تبدیل شود و نقش بارزی در افزایش درآمد ملی ایفا نماید.

در این میان گروه تحقیقات اقتصادی دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران که وابسته به خود رژیم بود، با انجام پژوهشی به بررسی وضعیت ترکمن صحرا (دشت گرگان) پرداخت که نتایج آن حکایت از اوضاع ناهنجار اقتصادی و اجتماعی این منطقه دارد. گزارش فوق که در تابستان سال ۱۳۴۷ تهیه شده از این قرار می‌باشد:

«در قسمت شمال و شرق گرگان، دشت وسیعی

حکومت پهلوی در طول ۵۷ سال حاکمیت برای مردم استان گلستان چه کرد؟ در حالی که قیمت فروش نفت ایران در جهان به چهار برابر افزایش یافته بود و درآمدهای ارزی ایران چهار برابر شده بود، ولی رژیم شاه به جای آنکه این پول هنگفت را صرف پیشرفت و رفاه زندگی مردم نماید، صرف ساخت و خرید ملک و کاخ در داخل و خارج کشور برای خود و همسر و فرزندان و برادران و خواهرانش نمود، و به ژنرال‌های درباری بذل و بخشش کرد و برای خرید تجهیزات نظامی از امریکا و انگلیس پرداخت.

لذا آن همه درآمد و سرمایه ارزی، دردی از فقر و بدبختی مردم نکاست. به طوری که حتی در زمینه طرح‌های زیربنایی مخصوصاً آب و برق و گاز و آموزش و راه و سدسازی نیز بی توجهی شد. در نتیجه اغلب شهرها و روستاهای استان گلستان در حکومت پهلوی دچار مشکل بودند. چنان که طبق نامه مورخه ۲۷ شهریور سال ۵۷ سازمان تعاون روستایی گرگان و دشت، تمام روستاهای نوار مرزی این استان به جز روستای گرند، همه فاقد آب آشامیدنی لوله کشی و فاقد حمام بودند.

در آن دوره پس از ۵۷ سال حکومت پهلوی، با آن که نه تحریمی بود و نه مشکل بودجه، بلکه همه قدرت‌های شرق و غرب عالم از شاه حمایت می‌کردند و همه کالاهای را به ایران می‌فروختند. اما متأسفانه هنوز بسیاری از محلات شهر مهم و معروفی مثل گرگان که پایتخت املاک شاه و درباریان محسوب می‌شد و تیمسار مژین نماینده مخصوص شاه در این شهر مستقر بود، باز دچار مشکل آب و برق و راه و رفاه بودند. چنان که طبق گزارش مورخ ۲ آبان سال ۵۷ محلات شاه رضا (امام رضای فعلی) و طول چشمه (الغدیر فعلی) گرگان فاقد آب آشامیدنی بودند. علاوه بر این سند فوق عمق نفوذ افراد زمین‌خوار را در سیستم اداری و سوء استفاده از اراضی حاشیه شهر گرگان نشان می‌دهد. (برای اطلاع بیشتر از اوضاع استان گلستان در دوره حکومت پهلوی، به کتاب سه جلدی "استان گلستان در انقلاب اسلامی" - تألیف غلامرضا خارکوهی - نشر عروج مراجعه فرمائید.)

حتی در اجرای پروژه بزرگی مثل ساختمان تالار فخرالدین اسعد گرگانی در شهر گرگان آنقدر حیف میل و سهل انگاری شد که ۶ سال بعد نشست کرد و با زلزله کوچکی که در آبان سال ۱۳۶۴ آمد دچار صدمات مهمی شد.

علاوه بر این در سال ۵۷ بازار استان گلستان آکنده از محصولات خارجی بود. مثل برنج امریکایی، پنیر دانمارکی، گوشت استرالیایی، مشروبات الکلی، انواع لوازم خارجی، دکتر هندی و... زیرا سیاست‌های غلط رژیم شاه در زمینه صنعت و کشاورزی موجب شده بود که حتی بسیاری از مواد غذایی مخصوصاً گندم و گوشت و لبنیات از کشورهای غربی وارد شود. لذا گندم از امریکا، گوشت یخ زده از استرالیا و آرژانتین و غیره وارد ایران و استان گلستان می‌شد. آقای شجاع الدین طباطبایی مسئول حزب رستاخیز شهرستان گرگان در سال ۱۳۵۵ در گزارشی نوشت: «زندگی تمام افراد این منطقه از بزرگ و کوچک

استان گلستان در حکومت پهلوی

ادامه از صفحه ۶

بضاعت تقسیم شود.

در گام نخست بنا شد ۱۰۰۰ خانواده از فقرای ساکن ۷۰ روستای بخش رامیان نفری دو کیسه آرد دریافت نمایند. اما از گرگان تا رامیان مورد حیف میل قرار گرفت تا آنجا که هیأتی از تهران برای بررسی به گرگان آمد و طباطبایی فرماندار گرگان برکنار شد. ولی فساد اداری چنان در حکومت پهلوی عمیق بود که از شخص شاه و خاندانش تا تیمسار مژین "نماینده مخصوص شاه در گرگان و گنبد و بجنورد" و فرماندار گرگان را در بر می گرفت. سند زیر تنها یک نمونه از گزارشات اینگونه حیف و میل ها و حق کشی ها در ادارات استان گلستان در دوره پهلوی است که از آشوب اسناد محرمانه ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت رژیم پهلوی) استخراج شده است.

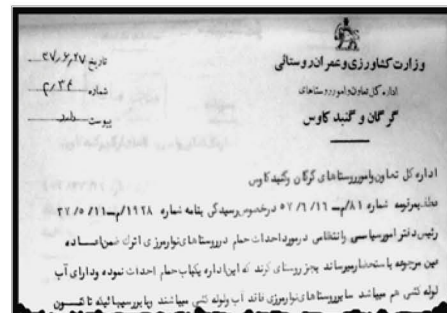
یکی دیگر از مشکلات و معضلات استان گلستان غارت مراتع پکر و چند هزار ساله استان گلستان بود که هر روز توسط شاه و وابستگان به دربار به یغما می رفت و تخریب می شد. به طور مثال تیمسار محمود امینی با مجوز وزارت کشاورزی در بهار سال ۱۳۵۵ دو هزار هکتار از مراتع این منطقه را تصاحب و نابود نمود.

«به: سرچنگلداری کل منطقه گرگان و گنبد

از: سازمان جنگل ها و مراتع کشور

... شایسته است دستور فرمائید با همکاری و تشریک مساعی آقای محمود امینی از محدوده های مورد نظر با توجه به مدلول ماده ۵۶ بازدید به عمل آورده، ضمن تشریح تفکیک اراضی مزبور، موقعیت آن را از لحاظ وضع یتیمی با ارسال یک برگ کروکی مربوطه گزارش، ضمناً مرتعی نیز به مساحت ۲۰۰۰ هکتار جهت تأمین نظر نامبرده انتخاب و مراتب را اعلام دارند.

امضاء معاون وزارت کشاورزی و منابع طبیعی
و رئیس سازمان جنگل ها و مراتع کشور. (آرشیو اسناد وزارت کشاورزی سابق)



رئیس سازمان جنگل ها در حالی دستور بذل و بخشش ۲ هزار هکتار از مراتع ملی استان گلستان را به یکی از سران رژیم شاه به نام تیمسار محمود امینی می دهد که یک روستایی فقیر اجازه نداشت حتی ۲۰۰ متر از اینگونه مراتع را برای ساخت کومه ای جهت سر پناه خانواده خود تصاحب نماید.

البته بذل و بخشش های منابع ملی به همین جا ختم نمی شد، به طوری که در نامه زیر مربوط به تاریخ ۱۳۵۳/۳/۲ مشاهده می کنید جناب وزیر کشاورزی و منابع طبیعی شاهنشاهی ایران چنان با خیال راحت

دستور تحویل هزاران هکتار جنگل از جنگل های مهم و حیاتی کشور از جمله استان گلستان را صادر می کند که گویی هزار برگ چغندر را می بخشد!

«مقتضی است دستور فرمایند، جهت اجرای طرح های توسعه عملیات دامپروری، نسبت به تحویل اراضی به شرح زیر:

- ۱) یک هزار هکتار زمین از اراضی ملی شده، واقع در جنوب شرقی شهرستان شاپور، کیلومتر ۱۰
- ۲) چهارصد هکتار زمین از مرتع قره آغل واقع در کیلومتر ۴۸ جاده تبریز- مراغه
- ۳) یک هزار هکتار اراضی جنگلی دلدن واقع در کیلومتر ۷۰ جاده گرگان- شاه پسند به سازمان دامپروری کشور، اقدام لازم معمول و نتیجه را گزارش نمایند.» (کتاب استان گلستان در انقلاب اسلامی- غلامرضا خارکوهی- جلد دوم- انتشارات عروج)

غارت و نابودی جنگل ها و مراتع ملی شده استان گلستان و سراسر کشور توسط خاندان پهلوی و نورچشمان دربار شاه تا سال ۵۷ که حکومتش سقوط کرد ادامه داشت. این در حالی بود که از سال ۴۱ جنگل ها و مراتع ملی اعلام شده بود. اما بیشترین غارتگری توسط خود حکومت و وابستگان به دربار پهلوی صورت می گرفت. به طور مثال در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۱۵ تیمسار مژین نماینده مخصوص شاه در گرگان و گنبد و بجنورد، با همکاری مدیر کل منابع طبیعی منطقه، حدود ۱۵۰۰ هکتار از مراتع ملی شمال گمیشان را حیف و میل می کنند. این سند تنها یک قلم از هزاران خلاف سردمداران پهلوی است که از داخل اسناد ساواک استخراج شده است.

علاوه بر این در بُعد سیاسی نیز شاه و سازمان های دولتی و مراکز قدرت در شهرها و روستاها، مردم و کارمندان و کارگران و کسبه را برای عضویت در حزب رستاخیز که تنها حزب سیاسی کشور بود و زیر نظر شخص شاه قرار داشت اجبار می کردند. زیرا شاه گفته بود هر کس مخالف این حزب است از کشور خارج شود. کسانی که حاضر به عضویت در این حزب نبودند از حقوق شهروندی محروم می شدند. بر همین اساس مردم در انتخاب نمایندگان مجلس نیز نقشی نداشتند. زیرا دولت شاهنشاهی هر کس را که مورد قبولش بود نامش را از صندوق به عنوان برنده انتخابات اعلام و وارد مجلس شورای ملی می کرد. به عنوان نمونه در سال ۱۳۰۲ سید محمدعلی شوشتری و در سال ۱۳۱۱ علی قلی خان هزارجریبی و در سال ۱۳۱۶ محسن همراز از حوزه انتخابیه گرگان و نیز در سال های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۶ محمد آخوند از حوزه انتخابیه گنبد قابوس به عنوان نماینده تر کمن ها با دستور مستقیم دولت رضاخان از تهران به عنوان نماینده مجلس تعیین و به دروغ از صندوق آرای مردم سر بر می آوردند و به مجلس شورای ملی راه می یافتند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ تا سال ۵۷ نیز مقامات ارشد وابسته به دربار فهرست افراد مورد نظرشان طی جلسه محرمانه ای باهم هماهنگ و توافق می کردند که چه کسانی به عنوان برنده انتخابات هر حوزه در مناطق مختلف کشور تعیین و اعلام شود.

و فحشا بسیار رایج است و ... اکثراً به علت داشتن ناراحتی های زیاد و فقر اقتصادی، جهت تسکین آلام روحی خود به این ماده پناه می برند...» (اخذ از کتاب مطالعات روستایی در ایران - گروه تحقیقات اقتصادی - ص ۸۱)

به این ترتیب در دوره پهلوی هر سال اقتصاد کشاورزان و معیشت روستاییان رو به افول گذاشت، به طوری که سهم بخش کشاورزی از درآمد ناخالص ملی از ۳۶/۶ درصد در سال ۱۳۳۸، با کاهش مداوم



به ۸/۶ درصد در سال ۱۳۵۶ تنزل کرد و این نشانه زندگی سخت روستاییان و بدی وضع تولید کشاورزی در حکومت پهلوی بود. (اخذ از کتاب اقتصاد ایران - دکتر ابراهیم رزاقی- تهران- ص ۲۰۸)

یکی از کارمندان اداره املاک پهلوی گرگان مشاهدات خود را از آن سال ها چنین می گوید:

« من راننده مأمور وصول اموال گرگان سران ارجمند بودم. مأمور وصول اموال گرگان سران ارجمند اهل تهران بود که در سال ۱۳۵۲ حدود ۵۸ سال سن داشت. حوزه مأموریت ما هم از بندرگز شروع می شد و تا روستاهای واقع در حاشیه مرز ایران و ترکمنستان، یعنی از بندرگز تا بجنورد می رسید. حوزه مأموریت ما مثل چات و مراوه تپه و روستاها در آن زمان در فقر مطلق بودند. مخصوصاً ترکمن صحرا. اکثریت روستاها جاده، برق، آب و بهداشت نداشتند و واقعا از نظر رفاهی زیر صفر بودند. فقر و بدبختی از چهار دیواری روستاها می بارید...» (مصاحبه مولف با نامبرده)

در چنین شرایطی فقر و بدبختی چنان بر شهرها و روستاهای استان گلستان غالب شده بود که گاهی موسسات خیریه خارجی برای فقرای این منطقه مواد غذایی می فرستادند. اما همین کمک ها هم توسط عوامل حکومت حیف و میل می شد و درست توزیع نمی گردید. به طور مثال در تاریخ ۱۳۴۱/۱۱/۱۰ تعداد ۲۲۲۲۲ کیسه آرد ۴۵ کیلوگی توسط مؤسسه خیریه کاره - یکی از موسسات خارجی- برای کمک به مردم فقیر گرگان و دشت بوسیله قطار به گرگان ارسال شد. قرار بود این آردها با همکاری فرماندار و جمعیت شیر و خورشید سرخ به تدریج بین افراد بی



جهاد و
شهادت

ماه نامه انقلاب در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.
از مطالب مفید ارزشی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استقبال
می کنیم (مطالب تایپ شده همراه با CD آن ارسال شود) - اسناد، تصاویر
و خاطرات ارزشمند خود را از تاریخ انقلاب و ۸ سال دفاع مقدس برای ما
ارسال فرمایید - نقل و استفاده از این نشریه چه برای رسانه های مکتوب
و نوشتاری (مثل کتاب و مطبوعات) و رسانه های الکترونیکی و صوتی و
تصویری صرفاً با ذکر نام منبع مجاز می باشد.

ماه نامه انقلاب
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامرضا خارکوهی
گستره توزیع: استان گلستان
نشانی: گرگان - خیابان شهید بهشتی
تلفن ۰۹۱۱۳۷۱۶۵۱۱ - ۳۳۲۵۰۹۱
چاپ: چاپخانه نوین ۳۳۲۶۶۵۳
Email: kharkohi۴۵@yahoo.com

ماه نامه
انقلاب
سال نوزدهم - شماره ۲۵۱ و ۲۵۲ - زمستان ۱۴۰۴

تصاویر شهدای قبل از انقلاب در استان گلستان

